

کیمیای سعادت

(جلد دوم)

در شناختن حق تعالی

امام محمد عزالی

گردآورنده: محمد حسین ذوالقدر

غزالی، محمد بن محمد، ۴۵۰ - ۵۰۵ ق.	سرشناسه
Mohammad ibn Mohammad Ghazali	
عنوان و نام پدیدآور : یحییٰ سعادت / امام محمد غزالی	
مشخصات نشر : تهران : نشر والقدیر، ۱۳۹۷.	
مشخصات ظاهری : ج ۲	
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۸۳۲-۱-۶ دوره ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۸۳۲-۱-۶ ج ۲	
وضعیت فهرست‌نویسی : فیا	
مندرجات : ۳۱ صفحه - در شناختن حق تعالی.	
موضوع : اخلاق اسلامی - متون فارسی تا قرن ۱۴	
موضوع : Islamic ethics -- Early works to 20th century	
موضوع : تصوف -- متون قدیمی - قرن ۱۱	
موضوع : Sufism -- Early works to 20th century	
موضوع : نثر فارسی -- قرن ۵ ق.	
موضوع : Persian prose literature -- 11th century	
رده‌بندی کنگره : BP۲۴۷/۳۵/غ۴ ک۹ ۱۳۹۷	
رده‌بندی دیوینی : ۲۹۷/۶۱	
شماره‌ی کتابشناسی ملی : ۵۲۳۶۱۳۷	



ناشر ذوالقدر

zolghadr_mh@yahoo.com

کیمیای سعادت

جلد دوم: دست‌ناختن حق تعالی

مقام محمد غزالی

گردآورنده: محمد حسین ذوالقدر

چاپ: ۱۳۹۷

ناظر چاپ: آزاده عباسی

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۷۰۰ تومان

شابک: ۹۶۸-۶۰۰-۹۹۸۳۲-۱-۶

شابک دوره: ۹۶۸-۶۰۰-۹۹۸۳۲-۷-۸

تهران، نرسیده به میدان ونک، بالاتر از ساختمان خورشید،

پلاک ۲۵۴۶، طبقه سوم، واحد ۹

© حق چاپ: ۱۳۹۷، انتشارات ذوالقدر

مقدمه

حجة الاسلام ابو حامد محمد بن محمد غزالی طوسی در سال ۴۵۰ هجری در طابران طوس به دنیا آمد. پدرش محمد بن محمد مردی متعبد بود و پیشه بافندگی داشت و ابی غزالی از همین پیشه پدر اوست. محمد دو پسر داشت: یکی محمد و دیگری احمد. این دو پسر پس از فوت پدر تحت سرپرستی ابو حامد احمد بن محمد رادکانی قرار گرفتند. محمد رادکانی از رادکان مقدمات علوم دینی و ادبی را در کودکی فرا گرفت و پس از چندی تحصیل در طوس و جرجان به نیشابور رفت و در خدمت امام الحرمین ابوالمعالی جوینی، فقیه و متکلم بزرگ شافعی به تحصیل پرداخت و فنون جدل و خلاف و کلام و مقدماتی از فلاسفه آموخت و هنوز بیش از بیست و هشت سال از عمر او نگذشته بود که در علوم و فنون متداول زمان یعنی در ادب و فقه و اصول و حدیث و درایت و کلام و جدل و خلاف و امثال این علوم ادبی و شرعی استاد مسلم شد و با این حال تا سال فوت ابوالمعالی جوینی خدمت او را ترک نگفت و بعد از آن در نزدیکی نیشابور به خدمت خواجه نظام الملک طوسی که آوازه حاصل ریافتنیده بود، پیوست. نظام الملک مقدم او را گرامی داشت و در محضر خود مناظره‌ای میان او و ختیا تر تیب داد و بر میزان فضیلتش آگاه شد و هشت سال بعد منصب تدریس در نظامیه بغداد به او محول شد، در حالی که تازه به سن سی و پنج سالگی رسیده بود.

غزالی از سال ۴۸۴ چهار سال در بغداد به تدریس و تذکر و وعظ و مناصره و تألیف و تصنیف اشتغال داشت و در همین مدت سرگرم مطالعه در کتب فلاسفه، خاصه ابوعلی سینا نیز بود. در سال ۴۸۴ یعنی در ۳۹ سالگی، تحول در روح او پدید آمد، چنان که دست از مقامات دنیوی برداشت، برادر خود احمد غزالی را در تدریس نظامیه جانشین خود قرار داد و در ظاهر به قصد سفر حج و در باطن به اندیشه سیر و سلوک و مجاهدت و ریاضت، از بغداد بیرون رفت و از سال ۴۸۸ تا ده سال بعد در شهرهای شام و جزیره و بیت المقدس و حجاز بسر برد و در تمام این مدت پیوسته به زهد و ریاضت و تألیف و تصنیف اشتغال

داشت تا در سال ۴۹۸ به طوس بازگشت و یک سال بعد به درخواست سلطان سنجر و الزام وزیرش فخرالملک بن نظام الملک از طوس به نیشابور رفت و در نظامیه آن شهر به تدریس پرداخت و تا سال ۵۰۰ در این سمت باقی بود.

در این سال غزالی به طوس بازگشت و در خانقاه و مدرسه‌ای که نزدیک خانه خود داشت به ارشاد و تعلیم شاگردان اشتغال ورزید و دیگر دعوت‌های پیگیر سلاطین و رجال را برای تدریس در مدارس نظامیه نیشابور تا بغداد نپذیرفت و به درگاه سلاطین نرفت از هیچ کس مالی نپذیرفت و همچنان در زهد و قناعت زیست تا در سال ۵۰۵ در طوس درگذشت و در طابران به خاک سپرده شد.

عجب آن که غزالی که روزگاری در صدد تکفیر علما برمی‌آمد و به شدت بر آنان می‌تابت، خود بعد از بازگشت از سفر ده ساله و بیان نظرهای جدید که چاشنی عرفان داشت، در حلقه‌های سخت متعصبان خراسان شد و او را ملحد و زندیق خواندند و از راه‌های گوناگون در صدد اذیت او برآمدند.

آثار زیادی در کلام و تفسیر و تصوف به عربی دارد و آثار مهم او به پارسی عبارتند از: مکاتیب پارسی، کیمیای سعادت، نصیحة الملوک. غزالی صرف‌نظر از وجوه مختلف اهمیتی که در ادبیات فارسی دارد، در نظر نثر نیز صاحب مقام و مرتبه‌والایی است. او نثری شیوا، پخته، ساده، گیرا و پر معنی دارد. روانی کلام او به قدری است که حتی استدلالات عقلی را نیز در نهایت آسانی بیان می‌کند، با این همه رعایت ایجاز از مختصات کلام اوست.

مهمترین اثر غزالی کیمیای سعادت است که علاوه بر کلامی از احیاء العلوم است و غزالی آن را پس از سفر ده ساله‌اش میان سال‌های ۴۹۰-۵۰۰ هجری نوشت. غزالی این کتاب را در چهار عنوان نگاشت و بر چهار رکن نهاد. چهار عنوان او شناختن نفس خویش، شناختن حق تعالی، شناختن دنیا، شناختن آخرت و چهار رکن آن عبادات، معاملات، بریدن عقبات راه دین و منجیات است.

غزالی می‌خواهد به وسیله کیمیای سعادت، انسان‌ها را از صفات ناقص پاک کند و به صفات کمال بیاراید تا او از همه چیز گسسته شود و خود را به تمامی به خدای بسپارد و در او محو گردد و نهایتاً به همان سعادت که غایت صوفیان است برسد. اگرچه این کتاب ظاهراً کتابی اخلاقی و مبتنی بر دین است، غزالی در آن در حقیقت نظر خانقاهیان را دنبال کرده و اندیشه خود را، آن گونه که پس از تحول روحی دریافته بود، به کار برده

است.

از دیگر آثار غزالی، نصیحة الملوك است که مؤلف آن را به سال ۵۰۳ برای سلطان سنجر که از او به ملک مشرق تعبیر می‌کند، نوشت؛ بنابراین تألیف کتاب در اواخر حیات او صورت گرفته و شامل اندیشه‌های وی در پایان زندگی است. موضوع کتاب حکمت علمی و بر مبنای دین است و این روشی است که روش حکمای مشاء را که معمولاً در کتب حکمت به کار می‌برند، ندارد. غزالی این کتاب را در هدایت و راهنمایی پادشاه و درباریان نوشته، نخست از اصول اعتقاد و ایمان سخن گفته و آنگاه ابوابی را در سیرت شاهان و وزیران و دبیران و در حکمت دانایان آورده است.

نصیحة الملوك هم به فارسی و هم به عربی ترجمه شده است. همچنین ترجمه ترکی آن نیز مکرراً صورت گرفته است.

فضائل الانام می‌رساند که مجموعه مکاتبات فارسی غزالی است که پس از مرگ وی توسط یکی از نزدیکانش گردآوری شده است. در این کتاب نامه‌هایی از معاصران غزالی که غزالی بر آن جواب نوشته نیز وارد شده است و به هر حال مجموعه ذی‌قیمتی است که نه تنها بسیاری نکات زندگی آن مرد بزرگ را روشن می‌کند، بلکه نمونه‌های بسیار خوبی از رسائل اخوانی و دنیائی فارسی را در نیمه دوم قرن پنجم نگاه داشته و حفظ کرده است. نامه‌های غزالی در این مجموعه بعضی در دفاع از عقاید وی و تقریر مقالات خاص او نگاشته شده و بعضی دیگر خطاب به پادشاهان عصر و وزراء و امرا و علمای آن روزگار است.

غزالی در این نامه‌ها بیش از سایر منشآت خود از تمثیل به آیات و احادیث بهره برده است. کتاب فضائل الانام پنج باب و شامل باب‌های زیر است:

باب اول نامه‌هایی هستند که به ملوک و سلاطین نوشته شده‌اند. باب دوم نامه‌هایی که برای وزیران فرستاده شده‌اند، باب سوم نامه‌ای که به فقهاء و ائمه درسی نوشته است و باب پنجم در فصول و مواعظ اوست. مؤلف در ابتدای باب‌ها و نامه‌ها یا بعد از آن‌ها توضیحاتی را افزوده است که از حیث اطلاع بر احوال غزالی اهمیت وافر دارد و خود نمونه خوبی از نثر اوایل قرن ششم است.